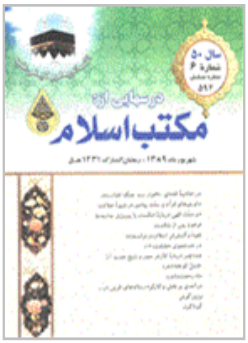

ویژگیهای باورهای شیعی - 4 - اعتقاد به بدا - 1 -

پدیدآورده (ها) : سبحانی، جعفر
فلسفه و کلام :: درسهایی از مکتب اسلام :: مهر 1390 - شماره 605
از 8 تا 16
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/898274

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 28/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

اعتقاد به «بدا»
(۱)

اعتقاد به «بدا» از باورهای شیعه است و مستندات متعدد قرآنی و روایی دارد. اما کسانی، بدون مراجعه به منابع معتبر و اولیهٔ شیعه، بدا را به گونه‌ای نادرست تفسیر کرده و به دنبال آن بر شیعه خرده گرفته‌اند. در این شماره، نخست تفسیر صحیح بدا تبیین، و سپس دلایل قرآنی آن مطرح، و دلایل روایی آن به شمارهٔ بعدی محول می‌شود.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

یکی از معارف بلند قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و روایات پیشوایان شیعه اعتقاد به «بدا»ست. اعتقاد به «بدا» به سان اعتقاد به «نسخ»، هر دو یک اساس و یک پایه دارند. چیزی که هست، قلمرو نسخ احکام الهی است یعنی حکمی تشریع می‌شود و پس از مدتی منسوخ می‌گردد اما از روز نخست، حکم؛ ثبوتاً موقت بوده نه دائم. هر چند به ظاهر خود را دائم و پیوسته نشان می‌داد؛ ولی آفریدگار جهان که مشرّع واقعی است از اول آن را محدود تشریع کرده بود.

www.noormags.ir

اما بدا مربوط به تکوین و آفرینش است. مثلاً گاهی مقدر است که فلانی در روز معین بمیرد ولی بر اثر صدقه دادن، بلا از او برطرف می‌شود. البته تقدیر اول نیز از روز نخست مقید به این بوده که صدقه ندهد و لذا با دادن صدقه، سرنوشت او دگرگون شده است لذا هرگز نباید تصور کرد که هر نوع دگرگونی در آفرینش، مایهٔ تغییر در علم ربوبی است.

واقعیت «بدا» که شیعه بدان عقیده راسخ دارد، این است که سرنوشت‌ها به اذن خداوند متعال قابل دگرگونی است. سرنوشت بد با عمل صالح عوض می‌شود. همچنین سرنوشت خوب با کردار زشت دگرگون می‌شود.

یکی از معارف بلند قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و روایات پیشوایان شیعه اعتقاد به «بدا»ست. اعتقاد به «بدا» به سان اعتقاد به «نسخ»، هر دو یک اساس و یک پایه دارند.

تقدیر الهی از روز نخست قطعی و یک‌نواخت نیست که بشر اسیر آن باشد، بلکه می‌تواند تقدیری را جایگزین تقدیر دیگر کند. فرض کنید جوان ناآگاهی است که با کشیدن سیگار و استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی، سرنوشت خود را به‌گونه‌ای رقم زده است که همگان از پیامد کارهای او آگاهیم ولی او می‌تواند این سرنوشت را عوض کند و در پناه ایمان به خدا و تقوا و پاکدامنی و پرهیزگاری، موجبات خوشبختی دنیا و آخرت خود را فراهم سازد.

فردی که با گناه، سرنوشت خود را دوزخی کرده، چون راه توبه و مغفرت باز است می‌تواند با توبه؛ این سرنوشت را عوض کند. نیز فرض کنید اگر تقدیر الهی

www.noormags.ir

این بوده است که جوانی در برهه‌ای از عمر خود به بلایی گرفتار آید، ولی او با پرداخت صدقه این سرنوشت را عوض می‌کند. در همهٔ این موارد ما کلمه **«بدا»** را به کار می‌بریم. یعنی دگرگون ساختن تقدیری با تقدیر دیگر و جانشین ساختن آینده‌ای به جای آینده دیگر.

مفسران اسلامی در تفسیر آیهٔ **«یَمْحُوا اللهُ ما یشاءُ و یُثْبِتُ و عندهُ أمُّ الکتاب**[1]**»**. روایات فراوانی نقل کرده‌اند که طبق آن‌ها رسول خدا فرموده است: «صدقه و اعمال نیک سرنوشت را عوض می‌کند زیرا تقدیر نخست تقدیر لازم و حتمی نیست که حتماً انسان با آن زندگی کند بلکه تقدیر اول محصول اعمال و کرداری بوده و تقدیر دوم محصول اعمال و کرداری ضد اعمال نخستین است». بشر می‌تواند با سرنوشت دوم سرنوشت نخست را عوض کند. این واقعیت «بدا»ست و قرآن و احادیث بر حقانیت آن گواهی می‌دهند. حالا معنای «بدا لله»(برای خدا آشکارشد) چیست؟ در آینده دربارهٔ آن توضیح خواهیم داد.

در سال‌های ۱۳۵۸ که مشغول نگارش قانون اساسی جمهوری اسلامی بودیم، یکی از علمای اهل سنت جنوب شرقی ایران در کمیسیون ما حضور داشت. در مواقع فراغت مسایلی را مطرح می‌کرد و یکی از مسایل مورد اشکال او، اعتقاد شیعه به «بدا» بود. گفتم: معنی بدا این است که انسان سرنوشت پیشین را با اعمال صالح و صدقه دگرگون سازد. گفت: همین است؟ گفتم: بلی. او تصور کرد که این نظر شخصی من است. پرسید: کتابی از علمای شیعه برای من بیاور که بدا را چنین تفسیر کرده باشد. من ناچار شدم کتاب **«اوائل المقالات»** شیخ مفید به

---

۱. رعد:۳۹.

www.noormags.ir

ضمیمه «**تصحیح الاعتقاد**» را از کتابخانهٔ مسجد جامع چهل‌ستون بگیرم و در اختیار ایشان بگذارم. ایشان چند روز بعد یعنی پس از مطالعهٔ کتاب به من چنین گفت: اگر معنی بدا همین باشد که در این دو کتاب آمده است همهٔ علمای اهل سنت نیز به آن عقیده دارند.

اتفاقاً بسیاری از اختلاف‌ها لفظی و اصطلاحی است و اگر عالمان واقعی گردهم آیند، دایرهٔ اختلاف کوچک‌تر شده و وحدت اسلامی بهتر تجلی می‌کند. اکنون برای توضیح بدا و مبانی قرآنی و روایی آن اموری را یادآور می‌شویم:

واقعیت «بدا» که شیعه بدان عقیده راسخ دارد، این است که سرنوشت‌ها به اذن خداوند متعال قابل دگرگونی است. سرنوشت بد با عمل صالح عوض می‌شود. همچنین سرنوشت خوب با کردار زشت دگرگون می‌شود.

۱.علم پیشین خدا به حوادث

برهان‌های فلسفی و کلامی و آیات قرآنی گواهی می‌دهند که خدا از همهٔ حوادث چه در گذشته و چه آینده آگاه است و کوچک‌ترین پرده‌ای میان او و پدیده‌ها نیست. به تعبیر قرآن:

«إنَّ اللهَ لا یَخْفیٰ علیه شَیءٌ فِی الارضِ و لا فِی السَّماءِ[1]».

هرگز برای خدا چیزی، چه در زمین و چه در آسمان، پنهان و پوشیده نمی‌ماند.

بنابراین هر حادثه‌ای که پیش‌بینی نشده رخ بدهد، از نظر انسان‌ها «بدا»

---

۱. آل‌عمران:۵.

www.noormags.ir

است ولی از نظر خدا بدا نیست زیرا خفایی درکار نبوده تا ظهور دوم رخ دهد. در آیهٔ دیگر می‌فرماید:

«..و ما یَخْفیٰ عَلَی اللهِ مِنْ شیءٍ فِی الارض و لا فِی السَّماءِ[۱]».

....چیزی بر خدا ،چه در زمین و چه در آسمان، پنهان نمی‌ماند.

خدا از ضمیر همهٔ انسان‌ها آگاه است. خواه آن‌چه راکه در دل دارند، آشکار سازند و خواه پنهان کنند. چنان که می‌فرماید:

«إنْ تُبْدوا شیئاً أو تُخْفوهُ فإنَّ اللهَ کانَ بِکُلِّ شیءٍ عَلیماً[۲]».

هرگاه چیزی را آشکار سازید یا پنهان کنید خداوند بر همه چیز عالم و آگاه است.

خفا و پنهانی برای موجودی رخ می‌دهد که محدود و متناهی باشد ولی خدای نامتناهی و محیط با خفا و پنهانی سر و کاری ندارد.

به دیگر سخن: تمام پدیده‌ها به‌سان معنی حرفی که قائم به معنی اسمی است، به وجود حق تعالی قائم و وابسته‌اند که اگر یک لحظه رابطهٔ وجود امکانی با سرچشمهٔ خود قطع شود، آن‌گاه عدم همه‌جا را فرا می‌گیرد. هرگاه موقعیت جهان امکانی چنین است، دیگر «**فنا**» در مورد آن متصور نیست. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

لَم یَزَل الله عالِماً بالأشیاء قبل أن یَخْلُقَ الأشیاء کَعِلمِهِ بالأشیاء بعد ما خلق الأشیاء[۳].

---

۱. ابراهیم:۳۸. ۲. احزاب:۵۴.

۳. کافی،ج ۱،ص ۱۰۷،باب صفات ذات،حدیث ۴.

www.noormags.ir

خدا به همهٔ پدیده‌های جهان پیش از آفرینش آن‌ها آگاه است چنان‌که پس از آفرینش از آن‌ها آگاهی دارد.

آیات و روایات دربارهٔ علم گسترده خدا بر حوادث، پیش از آفرینش و پس از آن، به‌قدری گسترده است که نمی‌توان حتی اندکی از آن‌ها را نقل کرد. بنابراین کسانی که بدا را به معنی ظهور پس از خفا نسبت به خدا تفسیر می‌کنند، راه خطا را پیموده و تهمت ناروایی به شیعه زده‌اند.

شگفت از **فخر رازی** است که با این‌که در ری می‌زیسته و علمای بسیاری از شیعیان در ری زندگی می‌کردند، به جای مراجعه به آنان، بدا را از پیش خود چنین تفسیر می‌کند: **«شیعه معتقد است که خدا به چیزی عقیده دارد که پس از مدتی خلاف آن بر او ظاهر می‌شود و تغییر عقیده می‌دهد.** آن‌گاه می‌گوید: **این اندیشه باطل است و علم خدا از لوازم ذات اوست و کسی که چنین باشد، دگرگونی در علم او محال است[1]».**

شگفت از **فخر رازی** است که با این‌که در ری می‌زیسته و علمای بسیاری از شیعیان در ری زندگی می‌کردند، به جای مراجعه به آنان، بدا را از پیش خود چنین تفسیر می‌کند: **«شیعه معتقد است که خدا به چیزی عقیده دارد که پس از مدتی خلاف آن بر او ظاهر می‌شود و تغییر عقیده می‌دهد.** آن‌گاه می‌گوید: **این اندیشه باطل است و علم خدا از لوازم ذات اوست و کسی که چنین باشد، دگرگونی در علم او محال است**

مسلماً رازی این اندیشه را از مخالفان شیعه گرفته و احتمال دارد که **«بلخی»**

---

۱. تفسیر رازی، ج ۴، ص ۲۱۶.

www.noormags.ir

در ایجاد این شبهه پیش از او نقش اساسی داشته باشد[۱]. پس از بلخی، **«ابوالحسن اشعری»**[۲] به این تهمت دامن زده است درحالی که هرگز شیعه دربارهٔ خدا چنین عقیده‌ای نداشته و این طایفه در تنزیه خدا، از دیگر طوایف پیشگام‌ترند. حتی رازی علم خدا را از لوازم ذات گرفته و زائد بر ذات تصور کرده و می‌گوید: هیچ گونه تغییر و تغیّر در آن‌جا متصور نیست. ما می‌گوییم: شیعه که علم خدا را عین ذات او دانسته، به طریق اولی دگرگونی در ذات نزد آنان امکان‌پذیر نیست.

۲. خلقت و آفرینش پیوسته

آیات و روایات حاکی از آن است که خدا از امر آفرینش و تدبیر جهان دست نکشیده و هم‌اکنون و در گذشته و آینده تدبیر جهان در دست اوست. برخلاف عقیدهٔ یهود که فکر می‌کنند امر خلقت تمام شده و دیگر قابل دگرگونی نیست. قرآن این اندیشه را از آنان در این آیه نقل می‌کند:

«و قالتِ الیهودُ یَدُاللهِ مَغْلولةٌ غُلَّتْ أیدیهم و لُعِنوا بما قالوا بَلْ یَداهُ مَبْسوطتانِ یُنْفِقُ کَیفَ یشاءُ...[۳]».

یهودیان گفتند دست خدا بسته است! دست‌هایشان بسته باد! و به خاطر این سخن از رحمت الهی دور شدند. بلکه دست‌های قدرت او باز هستند و هرگونه بخواهد بذل و بخشش می‌کند...».

---

۱. تبیان، ج ۱، ص ۱۳.
۲. مقالات الاسلامیین، ص ۱۰۷.
۳. مائده: ۶۴.

www.noormags.ir

در عقیدهٔ یهود اگر تقدیری دربارهٔ انسان انجام بگیرد، این تقدیر تا پایان عمر با او همراه است و هرچه هم بخواهد تلاش کند، نمی‌تواند آن را دگرگون سازد. تو گویی **«قدر»** و **«تقدیر»**، خدای دوم است که حتی خود خدا هم نمی‌تواند روی او اثر بگذارد در حالی که از نظر اسلام هر نوع تقدیری بستگی بدان دارد که انسان دگرگونی در آن پدید نیاورد و آن را به سود خود تغییر ندهد چنان که در آیاتی به آن اشاره شده است:

۱.«..إنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حتّىٰ يُغَيِّروا ما بِأنفُسِهِم...[۱]».

....خدا سرنوشت هیچ گروهی را دگرگون نمی‌سازد مگر آن که آنان در زندگی خود دگرگونی پدید آورند...

۲.«ذالک بِأنَّ اللهَ لَمْ يَکُ مُغَيِّراً نِعمَةً أنْعَمَها على قومٍ حتّى يُغَيِّروا ما بِأنفسهم...[۲]».

این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی‌دهد جز آن که آن‌ها در زندگانی خود دگرگونی پدید آورند...

در عقیدهٔ یهود اگر تقدیری دربارهٔ انسان انجام بگیرد، این تقدیر تا پایان عمر با او همراه است و هرچه هم بخواهد تلاش کند، نمی‌تواند آن را دگرگون سازد. تو گویی **«قدر»** و **«تقدیر»**، خدای دوم است که حتی خود خدا هم نمی‌تواند روی او اثر بگذارد در حالی که از نظر اسلام هر نوع تقدیری بستگی بدان دارد که انسان دگرگونی در آن پدید نیاورد و آن را به سود خود تغییر ندهد چنان که در آیاتی به آن اشاره شده است:

«..إنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حتّىٰ يُغَيِّروا ما بِأنفُسِهِم...

....خدا سرنوشت هیچ گروهی را دگرگون نمی‌سازد مگر آن که آنان در زندگی خود دگرگونی پدید آورند...

---

۱. رعد:۱۱.

۲. انفال:۵۳.

www.noormags.ir

۳. «و لَوْ أنَّ أهلَ القُریٰ آمَنوا و اتَّقوا لَفَتَحْنا علیهم بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ و الأرضِ ولٰکِنْ کَذَّبوا فَأخَذْناهُم بما کانوا یَکْسِبونَ[۱]».

اگر مردم آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند (درهای) برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم ولی آن‌ها سخن حق را تکذیب کردند ما هم آنان را در برابر اعمالشان کیفر دادیم.

۴. «فَلَوْلاٰ أنَّهُ کانَ مِنَ المُسَبِّحینَ. لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إلیٰ یَومِ یُبْعَثُونَ. فَنَبَذْناهُ بِالعَراءِ وَ هُوَ سَقیمٌ. وَ أنْبَتْنا عَلَیْهِ شَجرةً مِنْ یَقْطینٍ[۲]».

«اگر او (یونس) از تسبیح‌کنندگان نبود، تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند. او را رهایی بخشیدیم و در یک سرزمین خشک و خالی از گیاه افکندیم، در حالی که بیمار بود. بوتهٔ کدویی را بر او رویاندیم تا در سایهٔ برگهای پهن آن آرامش یابد».

یونس به خاطر ترک اولایی، گرفتار شد و در شکم ماهی جای گرفت. مقدر این بود که تا روز رستاخیز در شکم آن حیوان بماند، اما او سرنوشت خود را با عملی دگرگون ساخت: خدا را تسبیح گفت و قهراً سرنوشت او عوض شد و رهایی یافت. این آیه و آیات دیگر در قرآن گواهی می‌دهند که انسان می‌تواند سرنوشت خود را اعم از بد و خوب با سرنوشت دیگر عوض کند. آیاتی که به این مطلب گواهی می‌دهند، فزونتر از آن است که در این‌جا نقل شود.

علاقه‌مندان می‌توانند به آیاتی که در پاورقی اشاره می‌کنیم مراجعه کنند[۳].

---

۱. اعراف: ۹۶.
۲. صافات، ۱۴۳ - ۱۴۶.
۳. طلاق، ۳ - ابراهیم، ۷ - انبیاء، ۷۶ و ۸۳ - أنفال، ۳۳ - یونس، ۹۸.

www.noormags.ir